

قومیت و الگوهای ازدواج در ایران^۱

محمد جلال عباسی شوازی،* رسول صادقی**

چکیده: الگوهای ازدواج در بین کشورها و حتی در درون یک کشور در میان گروه‌های قومی گوناگون، متفاوت است. چنین نوساناتی می‌تواند هم ناشی از عوامل قومی- فرهنگی، و هم متأثر از عوامل اقتصادی- اجتماعی باشد. مقاله حاضر با استفاده از داده‌های طرح ملی "بررسی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار ۱۳۸۰" به بررسی الگوهای ازدواج در میان گروه‌های قومی در ایران پرداخته و تأثیر مستقل قومیت بر این الگوها را بررسی می‌نماید. یافته‌ها نشان دهنده الگوهای متمایز ازدواج در میان گروه‌های قومی در ایران است. نتایج تحلیل چندمتغیره نیز بیانگر این است که بعد از کنترل مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج باقی می‌ماند و به عبارتی قومیت نقش مستقلی در تبیین الگوهای ازدواج دارد. بطور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هویت قومی یک عامل تعیین کننده در الگوهای ازدواج در ایران است. هرچند هنجارها و ارزش‌های قومی فرهنگی در ورای نوسازی اقتصادی اجتماعی اثر خود را اعمال نموده و به تفاوت در الگوهای ازدواج منجر شده است، با اینحال عوامل اقتصادی اجتماعی نیز در تعدیل و کاهش اثر قومیت نقش داشته است. مطالعات جمعیت‌شناسی- مردم‌شناسانه با بکارگیری روش‌های کیفی می‌تواند شناخت عمیق‌تری نسبت به تأثیر هنجارها، ارزش‌ها و اعمال قومی بر الگوهای ازدواج و خانواده در ایران ارائه نماید.

واژه‌های کلیدی: ازدواج بین قومی، الگوهای ازدواج، اثر هنجاری-

فرهنگی، قومیت، همانندی مشخصه‌ها

^۱ این پژوهشی با حمایت معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است. از نظرات اصلاحی

آقای دکتر محمود قاضی طباطبائی و داوران محترم مقاله سپاسگزاری می‌شود.

مقدمه

ایران از دیرباز محل اسکان و زندگی قومیت‌های مختلف بوده است و در طول تاریخ طولانی خود، هیچ‌گاه یک کشور تک قومیتی، تک زبانی یا تک فرهنگی نبوده است. از اینرو، جامعه ایران در عین یگانگی و وحدت از تکثر و تنوع قومی گسترده‌ای برخوردار است. در حالی که حدود نیمی از جمعیت ایران فارس زبان هستند، ترک‌ها و کردها یک سوم (۳۴ درصد) و سایر گروه‌های قومی یک ششم باقیمانده (۱۶ درصد) را تشکیل می‌دهند (عباسی شوازی و جونز، ۲۰۰۱: ۵؛ بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۳). تکثر و تنوع قومی جامعه ایران، رفتار جمعیتی متفاوتی را برای قومیت‌های ایرانی به همراه داشته است. تفاوت‌های قومی در رفتار باروری در ایران نمونه بارزی از این رفتارها می‌باشد که در مطالعات اخیر به اثبات رسیده است (عباسی شوازی و دیگران ۱۳۸۴: ۲۶-۲۹؛ عباسی شوازی و صادقی، زیر چاپ).

الگوهای ازدواج^۱ در بین کشورها و حتی در درون یک کشور در میان گروه‌های قومی، متفاوت است (لسته‌هاق و النز ۱۹۸۹، تاپا ۱۹۸۹ و آرنالدو ۲۰۰۲). چنین نوساناتی می‌تواند هم ناشی از عوامل قومی - فرهنگی (فرضیه هنجاری/ فرهنگی^۲) و هم متأثر از عوامل اقتصادی - اجتماعی (فرضیه همانندی مشخصه‌ها^۳) باشند. علیرغم تفاوت‌های قومی در ایران، مطالعات اندکی در زمینه الگوهای قومی ازدواج صورت پذیرفته و برخی از مطالعاتی که در حوزه تحولات ازدواج و خانواده در ایران انجام شده (محمودیان ۱۳۸۳: ۴۹، عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴: ۶۳)، مطالعه الگوهای ازدواج گروه‌های قومی و شناخت چگونگی تأثیرپذیری الگوهای ازدواج از هنجارهای قومی و فرهنگی را پیشنهاد نموده اند.

1. marriage patterns

2. norms - cultural hypothesis

از اینرو با توجه به اینکه یکی از زمینه های شکل گیری رفتار جمعیتی بویژه باروری، بستر ازدواج و خانواده می باشد و نیز با عنایت به بافت چند قومیتی جامعه ایران، مقاله حاضر به بررسی و تحلیل الگوهای ازدواج (زمان ازدواج، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و ازدواج بین قومی) در میان گروههای قومی در ایران می پردازد و در همین راستا اهداف زیر را دنبال می کند:

- (الف) بررسی الگوهای ازدواج در میان گروههای قومی در ایران
- (ب) بررسی نقش و تأثیر قومیت در تبیین الگوهای ازدواج
- (ج) سنجش میزان ازدواج بین قومی در جامعه مورد مطالعه

رویکرد نظری

از نظر تئوریکی برای تبیین تحولات ازدواج و خانواده دو رویکرد نظری وجود دارد که در قالب هر کدام از آنها فرضیاتی جهت تبیین و تحلیل تفاوت های قومی در الگوهای ازدواج ارائه شده است. «اگرچه این فرضیات عمده تاً برای تبیین تفاوت های قومی در باروری استفاده شده است، اما از آنها می توان در تبیین تفاوت های قومی در الگوهای ازدواج استفاده نمود» (آرنالدو، ۲۰۰۲: ۱۴۴).

(۱) نظریه مدرنیزاسیون

«نظریه مدرنیزاسیون» با تأکید بر تغییرات ساختی (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی) تغییر الگوهای ازدواج را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی، مرتبط می کند. بر این اساس تحولات ازدواج و خانواده را به عنوان سازگاری نظام مند با تغییر در شرایط

نظام اجتماعی پیرامونی یا عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته، در نظر گرفته می شود.

در فرایند مدرنیزاسیون انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی بوجود می آید و افراد به صورت اتم هایی مجزا به نظر می رسند که بدنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند، یعنی دغدغه های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می یابد و تغییر در ایده افراد به سمت سکولاریته، مادی گرایی، فردگرایی و انزواطلبی صورت می گیرد و خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می شود. همزمان با این تحولات، نوعی انطباق پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت می گیرد. به همین دلیل است که وستوف^۱ (۱۹۷۸) بیان می کند «تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می شوند. زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی^۲، افزایش احتمال بقاء فرزندان و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف می باشد» (ویکس، ۲۰۰۲: ۴۱۶). ویلیام گود^۳ (۱۹۶۳) نیز با مطرح کردن ایده «انقلاب جهانی در الگوهای خانواده» به گستره تأثیرات مدرنیزاسیون بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می کند و معتقد است که «فرآیند مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار می دهد» (آستین فشان، ۱۳۸۰: ۱۵).

در چارچوب این تئوری، فرضیه ای با عنوان "همانندی مشخصه ها" در مطالعات قومی مطرح شده است. این فرضیه، ابتدا توسط رابرت پارک و ارنست برگس^۴ (۱۹۲۱) در تلاش برای

1. Westoff

2. Gender equity

توصیف تجربه پدیده «کوره ذوب آمریکایی»^۱ - یعنی فرایند همنوایی و همانندی با جامعه انگلیسی زبان آمریکایی - ارائه شد (مک‌دانیل، ۱۹۹۶: ۱۳۸ و آندرسون، ۲۰۰۱: ۹-۸). ایده اساسی این تئوری چنین است که تفاوت‌های قومی در رفتار جمعیتی (در این مقاله الگوهای ازدواج) نمایانگر نابرابری قومی در ترکیب متغیرهای اقتصادی اجتماعی است و نابرابری اجتماعی^۲ (توزیع نابرابر شاخص‌های توسعه‌ای) در میان گروه‌های قومی، عامل کلیدی درک تفاوت‌های قومی در این زمینه‌ها است. در واقع این دیدگاه با تأکید بر تفاوت‌های اقتصادی اجتماعی گروه‌های قومی بیان می‌کند که وابستگی قومی - به تنهایی - تأثیری مستقل بر الگوهای ازدواج ندارد، بلکه تفاوت در ترکیب اقتصادی اجتماعی گروه‌های قومی است که عمده‌تاً موجب تفاوت‌های قومی مشاهده شده در رفتار جمعیتی نظیر باروری و الگوهای ازدواج می‌شود (گلدشایدر و اولنبرگ ۱۹۶۹، بین و مارکوم ۱۹۷۸، جانسون ۱۹۷۹، پوسووا ۱۹۹۷، سیووال و تروواتو ۱۹۹۸، ادای و تروواتو ۱۹۹۹، نودل و دیگران ۱۹۹۹، آرنالدو ۲۰۰۲، پوستون و دیگران ۲۰۰۳).

طبق این دیدگاه فرایندهای انطباق، فرهنگ‌پذیری^۳ و همانندی ساختاری^۴ موجب می‌شود که الگوهای ازدواج گروه‌های قومی، همانند و همگرا شود. در نتیجه افرادی که مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی یکسانی دارند، بدون توجه به زمینه‌های قومی آنها انتظار می‌رود که الگوهای ازدواج همانند و یکسانی داشته باشند. بنابراین فرضیه مشخصه‌ها، بحث همانندی در الگوهای ازدواج را در طول زمان مطرح می‌کند و تفاوت‌های قومی در این زمینه را یک پدیده موقت و گذرا^۵ می‌داند که اساساً در بستر توسعه اقتصادی اجتماعی و فرایند همانندی از بین می‌رود (گلدشایدر و اولنبرگ ۱۹۶۹: ۳۶۱، ادای و تروواتو ۱۹۹۹: ۴۱۰، مورگان و یانگ ۲۰۰۲: ۳، آرنالدو، ۱۴۴: ۲۰۰۲).

1. american melting pot
2. social inequality
3. acculturation
4. structural assimilation

این فرضیه بر این عقیده است، زنانی که مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی یکسانی دارند، بدون توجه به زمینه قومی‌شان انتظار می‌رود که الگوهای ازدواج مشابهی داشته باشند. بنابراین اگر تفاوت در مشخصه‌ها بویژه آموزش و تحصیلات کنترل شود، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج بایستی از بین برود.

۲) نظریه قومی - فرهنگی

فرهنگ قومی در برگیرنده شیوه کلی زندگی، زبان، ایده‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است. مدل فرهنگی^۱ به طور گسترده‌ای توسط محققان برای تبیین انواع متفاوت رفتار در میان زنان گروه‌های قومی مانند مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ازدواج و خانواده و رفتار باروری بکار رفته است. تئوری‌های فرهنگی بر نقش ارزش‌ها، هنجارها و نظام‌های هویتی و فرهنگی در شکل‌گیری الگوهای ازدواج و سایر رفتارهای جمعیتی تأکید دارند (لستهاق ۱۹۸۳، ادای و تروواتو ۱۹۹۱، سورنسون ۱۹۸۵، آرنالدو ۲۰۰۲). در قالب این تئوری، "فرضیه هنجاری- فرهنگی" بعنوان تبیین جایگزینی برای فرضیه مشخصه‌ها ارائه شده است که بر نقش مستقل و معنی دار هنجارهای قومی و فرهنگی بر الگوهای ازدواج تأکید دارد و بر این باور است که هنجارها، آرمان‌ها و اعتقادات قومی، عوامل مهم و تعیین کننده در الگوهای ازدواج هستند.

فرضیه تبیین هنجاری که متکی بر ملاحظات خرده فرهنگی است، بیان می‌کند که الگوهای قومی متفاوت ازدواج عمدتاً ناشی از تأثیر هنجارها و ارزش‌های قومی، خرده فرهنگی و بازتاب نفوذ میراث قومی- فرهنگی^۲ هستند و ارزش‌ها و هنجارهای منحصر به فرد قومی مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده، بیانگر تاریخ و اعتقادات مشترک اعضای گروه قومی بدون توجه به موقعیت اقتصادی اجتماعی آنها است. با توجه به

قومیت و الگوهای ازدواج در ایران ۳۱

«فرضیه تعیین هویت^۱»، هانک^۲ (۲۰۰۱: ۱۰) معتقد است که رفتارها و جهت‌گیریهای فردی براساس هنجارهای اجتماعی و سنت‌های خاص قومی فرهنگی شکل می‌گیرند و در این خصوص، زمینه‌های اجتماعی محلی بعنوان «محیط‌های هنجاری از نظر فرهنگی^۳» محسوب می‌شوند که در آن نظارت و کنترل اجتماعی (در قالب جامعه‌پذیری و سایر اشکال نظارت اجتماعی) افراد را مجبور به عمل کردن مطابق انتظارات رفتاری دیگران می‌کند.

بطور خلاصه فرضیه همانندی مشخصه‌ها بر این عقیده است که قومیت تأثیری مستقل بر الگوهای ازدواج ندارد و تفاوت‌های قومی در این زمینه، بازتاب تفاوت جایگاه گروه‌های قومی در فرایند توسعه و همانندی مشخصه‌ها است. در مقابل فرضیه هنجاری- قومی بر اهمیت نقش مستقل قومیت، به عنوان یک عامل فرهنگی، در تبیین الگوهای ازدواج تأکید دارد.

پیشینه تحقیق

آرنالدو^۴ (۲۰۰۲) در مطالعه خود با عنوان "قومیت و الگوهای ازدواج در موزامبیک" نشان داد که الگوهای ازدواج در میان گروه‌های قومی متفاوت است. این مطالعه در تبیین تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج دو فرضیه مشخصه‌ها و هنجاری- فرهنگی را مورد بررسی قرار داد که در نهایت یافته‌ها از فرضیه هنجاری- فرهنگی حمایت کرد. بدین معنی که قومیت نقش مستقل و معنی‌داری در تعیین الگوهای ازدواج داشت.

مطالعات انجام گرفته در شرق آسیا (هیرشمن و ریندفوس ۱۹۸۲، ریندفوس و هیرشمن ۱۹۸۴، هیرشمن ۱۹۸۵ و تاپا ۱۹۸۹) به این نکته اشاره می‌کنند که عامل قومیت، مستقل از سایر

1. the identification hypothesis

2. Hank. K

3. culturally normative milieus

عوامل اقتصادی اجتماعی، تأثیر معنی‌داری بر زمان ازدواج داشته است. همچنین نتایج مطالعات مالهورتا و تسوی^۱ (۱۹۹۶) در سری لانکا، تاپا^۲ (۱۹۸۹) در نپال، و محمودیان (۱۳۸۳) در ایران، نیز بیانگر اثر مستقل قومیت بر زمان ازدواج است.

مطالعه طالب و گودرزی (۱۳۸۲) که در استان سیستان و بلوچستان انجام گرفت، بیانگر تفاوت‌های قومی مذهبی در نگرش نسبت به الگوهای ازدواج و هنجارهای خانواده می‌باشد، بطوری که نگرش شیعیان (غیر بلوچ‌ها) به خانواده حول محور ارزشهای فردگرایانه و استقلال خانواده با عملکرد جمعیتی پایین است، در حالی که اهل سنت (بلوچ‌ها) بیشتر به الگوهای سنتی ارزشهای خانوادگی گرایش دارند.

مطالعات انجام شده در خصوص ازدواج در ایران، اغلب متغیر قومیت را به عنوان متغیر مستقل در کنار سایر متغیرها به کار گرفته‌اند و کمتر به تبیین این رابطه پرداخته اند. بنابراین، با توجه به خلأ تحقیقاتی در این زمینه، این مقاله به دنبال بررسی الگوهای ازدواج در میان گروه‌های قومی و تحلیل رابطه و نقش مستقل قومیت در این زمینه است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه، تحلیل ثانوی^۳ داده‌های طرح ملی «بررسی ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار ۱۳۸۰» است که توسط مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات علمی فرانسه، به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته گردآوری شده، صورت گرفته است.

واحد تحلیل: در این مقاله واحد تحلیل هر زن ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله در زمان بررسی برحسب زمینه قومی است. تعداد زنان واجد شرایط در طرح بررسی ویژگیهای اجتماعی اقتصادی خانوار ۵۶۳۹ نفر بود. اما با توجه به اینکه در بعضی خانوارها بیش از یک واحد تحلیل (یعنی زن ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله) وجود داشت، بعد از برطرف نمودن این مشکل نمونه‌گیری، ۴۹۴۵ نفر به عنوان واحد تحلیل انتخاب شدند و اطلاعات مربوط به آنها مورد کنکاش و بررسی قرار گرفت. بر این اساس برحسب تعلق قومی، ۴۳/۵ درصد نمونه فارس، ۲۵/۱ درصد ترک، ۹/۵ درصد لر، ۶/۸ درصد کرد، ۵/۶ درصد مازنی، ۴/۲ درصد گیلکی، ۲/۸ درصد عرب و ۲/۵ درصد بلوچ بوده‌اند.

استراتژی تحلیل: این مقاله به بررسی الگوهای ازدواج (زمان ازدواج، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و ازدواج بین قومی) در میان گروههای قومی پرداخته است. در بررسی الگوهای ازدواج در میان گروههای قومی علاوه بر استفاده از آزمون‌های کای اسکوئر و تحلیل واریانس و به منظور خالص‌سازی ضریب تأثیر قومیت بر الگوهای ازدواج، تکنیک «تحلیل طبقات چندگانه»^۱ بکار گرفته شده است. تکنیک تحلیل طبقات چندگانه که توسط آندروز^۲ و همکارانش (۱۹۷۳) توسعه پیدا کرد، در واقع تکنیکی است که روابط درونی (هم‌پوشی) بین چند متغیر پیش‌بین (مستقل) و متغیر وابسته را در یک مدل کلی نشان می‌دهد. به بیان دیگر، این تکنیک به بررسی رابطه بین چند متغیر مستقل مقوله‌ای (حتی فاصله‌ای) بر یک متغیر وابسته فاصله‌ای (گاهی نیز متغیر دو وجهی)، به منظور تعیین اثرات هر کدام از متغیرهای مستقل قبل و بعد از تعدیل^۳ می‌پردازد. با استفاده از این تکنیک آماری قصد داریم تا اهمیت نسبی تأثیر قومیت

1. multiple classification analysis

2. Anderson

(به عنوان متغیر مستقل) بر الگوهای ازدواج (به عنوان متغیرهای وابسته) را با ثابت نگهداشتن سایر متغیرها (متغیرهای آزمون) مشخص نمائیم.

یافته‌های تحقیق

الف) الگوهای ازدواج در میان گروه‌های قومی

• سن ازدواج

خانواده، بعنوان مهمترین نهاد اجتماعی و مؤلفه نهادی هر جامعه و ازدواج، بعنوان مبنای شکل گیری این نهاد و مناسک گذار افراد از جوانی به بزرگسالی و مهمترین واقعه در زندگی فردی، از حوزه های مهم مطالعات جامعه شناسی و جمعیت شناسی محسوب می شوند.

ازدواج که به قول لوی اشتراوس برخورد دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت است (ساروخانی، ۲۳: ۱۳۷۰). یکی از مهمترین پدیده های اجتماعی، فرهنگی و زیستی مربوط به جامعه و انسان محسوب می گردد که هم متأثر از تحولات جوامع و هم تأثیرگذار بر تحولات خانواده و باروری است. این پدیده موجب تغییرات اساسی در نهاد خانواده و باروری گردیده است. زمان ازدواج به علت ارتباط نزدیک و بلافصل با باروری به صورت گسترده‌ای مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفته است.

الگوهای ازدواج تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی- اجتماعی و قومی- فرهنگی در درون جوامع متفاوت می باشند. به همین دلیل، پژوهشگران اجتماعی در برخی جوامع چند قومیتی، به بررسی و تبیین تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج پرداخته اند.

قومیت و الگوهای ازدواج در ایران ۳۵

در این مقاله نیز با توجه به تنوع قومی فرهنگی گسترده جامعه ایران به بررسی الگوهای ازدواج زنان پرداخته ایم که نتایج آن در جدول شماره یک نشان داده شده است.

جدول ۱- الگوهای ازدواج زنان گروههای قومی در ایران، ۱۳۸۰ (ارقام به درصد)

الگوهای ازدواج											گروه قومی
درون و برون همسری قومی		نحوه انتخاب همسر		نسبت با همسر		زمان ازدواج				میانگین سن ازدواج (به سال)	
						توزیع زنان بر حسب سن ازدواج (درصد)					
ازدواج بین قومی	درون همسری قومی	غیر شخصی انتخاب	انتخاب شخصی	خویشاوند غیر	خویشاوند	۲۵ سال و بالاتر	۲۰-۲۴ سال	۱۵-۱۹ سال	کمتر از ۱۵ سال		
۷/۷	۹۲/۳	۸۴/۶	۱۵/۴	۱۹/۵	۸۰/۵	۱/۶	۱۱/۴	۴۳/۹	۴۳/۱	۱۶/۲۰	بلوچ
۵/۰	۹۵/۰	۷۳/۴	۲۶/۶	۴۳/۰	۵۷/۰	۳/۶	۱۵/۳	۴۸/۱	۳۳/۰	۱۷/۲۱	لر
۳/۷	۹۶/۳	۸۶/۲	۱۳/۸	۳۱/۹	۶۸/۱	۴/۳	۲۹/۰	۳۹/۹	۲۶/۸	۱۸/۱۹	عرب
۶/۰	۹۴/۰	۶۳/۶	۳۶/۴	۵۲/۷	۴۷/۳	۶/۸	۲۴/۲	۴۴/۱	۲۴/۹	۱۸/۲۷	کرد
۶/۳	۹۳/۷	۵۵/۲	۴۴/۸	۶۴/۴	۳۵/۶	۴/۰	۲۵/۴	۴۵/۸	۲۴/۸	۱۷/۹۳	ترک
۹/۱	۹۰/۹	۶۱/۴	۳۸/۶	۶۰/۱	۳۹/۹	۷/۷	۲۵/۹	۴۳/۲	۲۳/۲	۱۸/۴۵	فارس
۵/۱	۹۴/۹	۶۱/۰	۳۹/۰	۶۶/۸	۳۳/۲	۹/۴	۳۳/۱	۴۵/۱	۱۳/۴	۱۹/۴۲	مازنی
۷/۸	۹۲/۲	۴۷/۸	۵۲/۲	۷۷/۳	۲۲/۷	۱۴/۵	۳۷/۲	۳۸/۶	۹/۷	۲۰/۱۷	گیلکی
۷/۳	۹۲/۷	۶۱/۸	۳۸/۲	۵۸/۴	۴۱/۶	۶/۵	۲۵/۲	۴۴/۲	۲۳/۱	۱۸/۲۵	کل نمونه
Chi-square=20.4 P<0.005 Cramer's V = 0.066		Chi-square=129.1 P<0.0005 Cramer's V = 0.162		Chi-square=226.0 P<0.0005 Cramer's V = 0.214		Chi-square= 170.5 P<0.0005 Cramer's V = 0.107				F= 23.290 P<0.0005 Eta= 0.179	آزمون آماری

بررسی سن ازدواج در میان گروههای قومی بیانگر تفاوتها و نوسانات قومی قابل توجهی در

زمان ازدواج می باشد. بطوری که میانگین سن در اولین ازدواج از ۱۶/۲ سال برای زنان بلوچی

تا ۲۰/۲ سال برای زنان گیلکی در نوسان بوده است. علاوه بر این الگوی ازدواج زودرس^۱ (کمتر از ۱۵ سال) در میان بلوچها و لرها شایعتر از سایر گروههای قومی بوده و این الگو کمتر از همه در میان زنان گیلکی و مازنی دیده می‌شود. در مورد الگوی ازدواج دیررس (ازدواج در سنین ۲۵ سالگی و بالاتر) این قضیه برعکس می‌شود، بدین معنی که این الگو در میان بلوچها و لرها کمتر و در میان گیلکیها و مازنیها بیشتر از سایر گروههای قومی دیده می‌شود. آزمون آماری اتا نشان می‌دهد که شدت رابطه و همبستگی قومیت و زمان ازدواج ۰/۱۷۹ می‌باشد. بدین معنی که قومیت حدود ۳/۲ درصد واریانس سن ازدواج را تبیین می‌کند و بعنوان یک عامل تعیین کننده بر زمان ازدواج تأثیر می‌گذارد.

• نحوه انتخاب همسر

در گذشته تاریخی این مرز و بوم به علت نفوذ شبکه خویشاوندی و برای تحکیم همبستگیها و تبعیت از ازدواج درون گروهی با اعمال رسومی مانند نافبری، به عدم دخالت کامل زوجین در انتخاب همسر^۲ می‌پرداختند. امروزه هر چند این شیوه و رسوم دیگر منسوخ شده است و نقش زوجین در انتخاب همسر جایگاه خاصی پیدا کرده است، اما علی رغم این تغییرات، هنوز والدین تعیین کننده اصلی ازدواج فرزندان هستند. بطوری که نتایج این بررسی نشان می‌دهد تنها ۳۸ درصد ازدواجها با انتخاب شخصی زوجین همراه بوده است.

یافته‌های جدول شماره یک نشان می‌دهد که ارزشها و هنجارهای خرده فرهنگی و قومی، عامل مهمی در نحوه انتخاب همسر برای زنان محسوب می‌شود. برای مثال ازدواجهای ترتیب یافته توسط دیگران در میان گروههای قومی عرب و بلوچ بیش از سایر گروهها بوده است. بطوری که بیش از ۸۰ درصد ازدواجهای زنان عرب و بلوچ توسط دیگران (به ویژه والدین) ترتیب یافته و نقش زوجین در انتخاب همسر بسیار محدود بوده است. اما در میان زنان گیلکی، این الگوی ازدواج کمتر از سایر گروههای

قومی دیده می‌شود و در مقابل الگوی انتخاب شخصی همسر (به عنوان روش همسرگزینی مدرن) رایج‌تر است. همچنین این الگو (انتخاب شخصی همسر) حدود ۴۰ درصد ازدواج‌های ترک‌ها، مازنی‌ها، فارس‌ها و کردها را تشکیل می‌دهد. در مقابل این نسبت در میان لرها ۲۶/۶ درصد، بلوچ‌ها ۱۵/۴ درصد و عرب‌ها ۱۳/۸ درصد از ازدواج‌ها را شامل می‌شود. بنابراین نحوه انتخاب همسر به عنوان شاخصی که نشان دهنده شیوع ازدواج‌های آزاد در مقابل ازدواج‌های از قبل تنظیم شده است، برحسب تعلق قومی زنان متفاوت است.

• ازدواج خویشاوندی

یکی از بهترین شاخص‌های شدت ارتباط و تعامل میان خانواده و شبکه خویشاوندی در ایران مانند بسیاری از جمعیت‌های جنوب آسیا و منطقه خاورمیانه، همسرگزینی از میان خویشاوندان است (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۹). ازدواج درون‌گروهی از نوع خویشاوندی ریشه در تاریخ این مرز و بوم دارد و یکی از اشکال و الگوهای متداول ازدواج در ایران است. به طوری که بر اساس یافته‌های این بررسی، بیش از ۴۰ درصد ازدواج‌ها به شکل درون‌گروهی بین افراد خویشاوند صورت گرفته است. حفظ اصالت‌های خونی، حفظ مال و اموال موروثی، تحکیم شبکه خویشاوندی، تشابه و همسانی، داشتن شناخت و آشنایی بیشتر (در جامعه‌ای که روابط پسر و دختر خارج از شبکه خویشاوندی، نوعی ناپه‌نجاری محسوب می‌شود)، دوام و پایداری نسبی این ازدواج‌ها، اعتقادات خاص مذهبی (نظیر بسته شدن عقد دخترعمو و پسرعمو در آسمان‌ها)، ارزش‌ها و هنجارهای قومی از انگیزه‌های گرایش افراد به ازدواج‌های فامیلی و خویشاوندی^۱ در ایران محسوب می‌شود.

یافته‌های جدول شماره یک نشان می‌دهد که تفاوت‌های محسوسی بین گروه‌های قومی به لحاظ داشتن نسبت خویشاوندی - غیرخویشاوندی با همسر وجود دارد. به طوری که نسبت

ازدواج خویشاوندی، به عنوان تبلور هنجارهای سنتی خانوادگی، در میان بلوچ‌ها بیشتر از سایر گروه‌های قومی در ایران دیده می‌شود. در میان بلوچ‌ها از هر پنج ازدواج، چهار ازدواج با افراد فامیل و خویشاوند صورت می‌گیرد. مطالعه عباسی‌شوازی و دیگران (۲۰۰۳ و ۱۳۸۴) نیز گرایش قوی به ازدواج خویشاوندی در میان بلوچ‌ها را تأیید می‌کند. بعد از گروه قومی بلوچ، بیشترین نسبت ازدواج خویشاوندی به ترتیب مربوط به گروه‌های قومی عرب و لر است.

در مقابل کمترین نسبت ازدواج خویشاوندی در بین زنان گیلکی دیده می‌شود، به طوری که در میان گیلکی‌ها، برعکس بلوچ‌ها، از هر پنج ازدواج، چهار ازدواج با افراد غیرخویشاوند صورت گرفته است. بعد از گیلکی‌ها، به ترتیب مازنی‌ها، فارس‌ها و ترک‌ها کمترین نسبت ازدواج خویشاوندی را داشته‌اند. وضعیت کردها در این زمینه، حالت بینابینی داشته است، بدین معنی که نسبت ازدواج‌های خویشاوندی و غیرخویشاوندی تقریباً به یک اندازه بوده است. از اینرو ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگی و قومی، عامل مهمی در تعیین الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران است.

• ازدواج بین قومی

در مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی اغلب از شاخص ازدواج بین قومی^۱ برای سنجش مفهوم "فاصله اجتماعی"^۲ استفاده می‌شود. محققانی نظیر دیویس^۳ (۱۹۴۱)، مرتون^۴ (۱۹۴۱)، کندی^۵ (۱۹۴۴ و ۱۹۵۲)، گوردون^۶ (۱۹۶۴)، لیبرسون^۷ و واترز^۸ (۱۹۸۸)، از آن استفاده کرده‌اند (روزنفلد، ۲۰۰۲: ۱۵۲). یکی از اهداف این مقاله، بررسی این موضوع است که تا چه حد گروه‌های

1. inter-ethnic marriage

2. social distance

3. Davis

4. Merton

5. Kennady

6. Gordon

7. Liberson

8. Waters

قومی به هنگام ازدواج به سوی یکدیگر جلب می‌شوند؟ یا به عبارت دیگر میزان های درون همسری^۱ و برون همسری^۲ (ازدواج بین قومی) در میان قومیت های ایرانی چقدر است؟

یافته های بررسی بیانگر میزان بالای درون همسری قومی - به عنوان شاخص انسجام قومی - در میان گروههای قومی در ایران است. بدین معنی که افراد متعلق به گروههای قومی مختلف، به هنگام ازدواج تمایل بیشتری به گروه قومی خود دارند. بطوری که بیش از ۹۰ درصد زنان گروههای قومی ترجیح داده‌اند که با همسری از گروه قومی خودشان ازدواج کنند (همسان همسری قومی). البته با توجه به تمرکز گروه قومی همسان در محیط پیرامونی افراد، دایره جغرافیایی همسرگزینی در این تمایل بی‌تأثیر نبوده است.

علاوه براین، یافته‌های جدول شماره یک نشان دهنده درون همسری افتراقی^۳ می‌باشد. بدین معنی که درون همسری و گرایش به آن در میان گروههای قومی متفاوت است. به عنوان مثال، گروه قومی «عرب» بیش از سایر گروههای قومی تمایل به درون همسری دارد و در مقابل، «فارس‌ها» کمتر از سایر گروهها گرایش به درون همسری داشته‌اند.

میزان ازدواج بین قومی در جامعه مورد مطالعه، کمتر از هشت درصد بوده است که نشان دهنده محدود بودن دایره ازدواج بین قومی و وجود نوعی فاصله اجتماعی در میان گروههای قومی در ایران می‌باشد. این میزان از ۳/۷ درصد برای عرب‌ها تا ۹/۱ درصد نزد فارس‌ها در نوسان بوده است. در مورد ازدواج بین قومی، از یکسو، فارس‌ها بعنوان گروه اکثریت با تمام گروههای قومی پیوند ازدواج داشته‌اند. از سوی دیگر، تمام گروههای قومی بیشترین میزان ازدواج بین قومی‌شان با فارس‌ها بوده است.

ب) نتایج تحلیل چند متغیره

یافته‌های جدول شماره یک، بیانگر نوسانات قومی معنی دار در الگوهای ازدواج است. اما باتوجه به نابرابری قومی در مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی و همپوشی قومیت و سایر متغیرها در تأثیرگذاری بر الگوهای ازدواج، این سؤال مطرح می‌شود که در صورت کنترل مشخصه‌ها، آیا قومیت همچنان تأثیر مستقل و معنی‌داری بر الگوهای ازدواج دارد؟

شهرنشینی، همگانی شدن تحصیلات و بهبود موقعیت زنان از ره آوردهای مهم نوسازی هستند که تأثیر قدرتمند آنها بر الگوهای ازدواج در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۳). در تحقیق حاضر با توجه به تفاوت‌های قومی در این ابعاد و همپوشی این متغیرها با قومیت (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۳۰-۱۳۶)، با استفاده از آزمون تحلیل طبقات چندگانه و به روش گام به گام، به ارزیابی تأثیر مستقل قومیت بر هر کدام از الگوهای ازدواج پرداخته شده است.

یافته‌های جدول شماره دو میزان کاهش رابطه قومیت و سن ازدواج را در صورت کنترل همزمان مشخصه‌های اجتماعی- جمعیتی در مدل‌های مختلف نشان می‌دهد. بر این اساس، شدت رابطه قومیت و سن ازدواج قبل از ورود سایر متغیرها به معادله، ۰/۱۷۹ است (مدل ۱)، اما با وارد کردن سن زنان، شدت رابطه قومیت و سن ازدواج کاهش اندکی یافته و از ۰/۱۷۹ به ۰/۱۷۱ رسیده است (مدل ۲). با اضافه شدن تحصیلات زنان به معادله، شدت این رابطه بطور محسوسی به ۰/۱۳۹ کاهش یافته است (مدل ۳). همراه با اضافه شدن متغیر موقعیت شغلی زنان این رابطه به ۰/۱۳۵ کاهش یافته (مدل ۴)، و در نهایت با اضافه شدن متغیر محل سکونت و یا عبارتی در صورت کنترل همزمان سن زنان و شاخصهای مورد تأکید در پارادایم مدرنیزاسیون،

قومیت و الگوهای ازدواج در ایران ۴۱

و همبستگی اولیه قومیت و سن ازدواج با کنترل همزمان سایرمتغیرهای تأثیرگذار، تنها حدود ۲۶ درصد ضعیف‌تر شده است هرچند قومیت، بعنوان یک عنصر فرهنگی، همچنان تأثیر مستقل و معنی‌داری بر زمان ازدواج خواهد داشت ($F=14.6, P<0.0005$).

از اینرو، تفاوت‌های قومی در زمان ازدواج و شکل گیری خانواده نمی‌تواند بطور کامل بازتاب جایگاه متفاوت آنها در مراحل مدرنیزاسیون و توسعه یافتگی باشد، بلکه در ورای مدرنیزاسیون، تفاوت در فرهنگ و تاریخ اجتماعی قومی و فشارهای هنجاری و ارزشی، در زمان ازدواج نمود پیدا می‌کند.

جدول ۲- مدل‌ها و ضرایب بتا (Beta) مربوط به تأثیر متغیرهای مختلف بر سن ازدواج زنان

Eta	Beta					متغیرهای	
	مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	مستقل	آزمون یا کنترلی
-/۱۷۹	./۱۳۳**	./۱۳۵**	./۱۳۹**	./۱۷۱**	./۱۷۹**	قومیت	آزمون یا کنترلی
-/۱۱۰		./۱۳۱**	./۱۲۸**	./۱۳۰**	./۰۹۵**	سن زنان	
-/۳۶۷			./۳۸۶**	./۳۷۸**	./۳۸۲**	تحصیلات	
-/۰۹۷				./۰۴۸**	./۰۵۲**	موقعیت شغلی	
-/۱۰۶					./۰۱۹	محل سکونت	
-	۱۷/۷	۱۷/۶	۱۷/۴	۴/۱	۳/۲	R ² %	

** معنی دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان

برای ارزیابی تأثیر قومیت بر سایر الگوهای ازدواج، همانند مراحل و مدل‌های جدول شماره

دو عمل شده که نتایج نهایی آن در جدول شماره سه ارائه شده است:

جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل طبقات چندگانه تأثیر قومیت بر الگوهای ازدواج قبل و بعد از کنترل مشخصه‌ها

درون و برون همسری قومی			نحوه انتخاب همسر			نسبت خویشاوندی با همسر			سن در اولین ازدواج			تأثیر قومیت بر الگوهای ازدواج		
آزمون آماری		ضریب همبستگی	آزمون آماری		ضریب همبستگی	آزمون آماری		ضریب همبستگی	آزمون آماری		ضریب همبستگی			
Sig	F	Eta/Beta	Sig	F	Eta/Beta	Sig	F	Eta/Beta	Sig	F	Eta/Beta			
قبل از کنترل مشخصه‌ها			۰/۰۰۰۵	۱۱/۳	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰۵	۱۸/۹	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰۵	۳۳/۸	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰۵	۲۳/۳	۰/۱۷۹
بعد از کنترل مشخصه‌ها			۰/۰۰۰۵	۹/۲	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰۵	۱۴/۲	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰۵	۲۶/۷	۰/۱۹۵	۰/۰۰۰۵	۱۴/۶	۰/۱۳۳

جدول ۳ میزان کاهش رابطه اولیه قومیت و الگوهای ازدواج را در صورت کنترل همزمان مشخصه‌ها نشان می‌دهد. بر این اساس، در صورت کنترل همزمان سن زنان و شاخصهای پارادایم نوسازی یعنی شهرنشینی، تحصیلات و وضعیت اشتغال زنان، شدت رابطه قومیت با سن ازدواج از ۰/۱۷۹ به ۰/۱۳۳، با ازدواج خویشاوندی از ۰/۲۱۴ به ۰/۱۹۵، با نحوه انتخاب همسر از ۰/۱۶۲ به ۰/۱۴۲ و با ازدواج بین قومی از ۰/۰۷۱ به ۰/۰۶۸ کاهش می‌یابد. بنابراین نتایج تحلیل طبقات چندگانه نشان می‌دهد که در صورت کنترل همزمان مشخصه‌ها، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج از بین نمی‌رود و قومیت مستقل از سایر مشخصه‌ها تأثیر معنی داری بر الگوهای ازدواج دارد.

بدین ترتیب، قومیت تأثیر معنی داری بر الگوهای ازدواج دارد و این اثر حتی بعد از کنترل مشخصه‌های مورد تأکید در پارادایم نوسازی و فرضیه همانندی مشخصه‌ها باقی می‌ماند. هر چند که نوسانات قومی در الگوهای ازدواج می‌تواند تا حدودی بازتاب تفاوت‌های قومی در

مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز باشد، ولی اثر مستقل قومیت به عنوان عامل فرهنگی مورد تأیید می‌باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی الگوهای ازدواج در میان گروههای قومی، بیانگر نوسانات قومی محسوسی در این زمینه است. بطوری که در میان گروههای قومی کرد، عرب، لر و بویژه بلوچ، عمدتاً هنجارهای سنتی‌ای حاکم است که خانواده را نهادی برای تقویت پیوندهای جمعی می‌انگارد. از اینرو، تشکیل خانواده در سنین پایین و تحکیم پیوندهای خویشاوندی از طریق ازدواج فامیلی را مورد تأکید قرار می‌دهند. این سنخ از هنجارها، انتخاب فردی را محدود می‌سازد و برای «تبعیت» بیشتر از «انتخاب» ارزش قایل است. در مقابل، هنجارها و نگرش‌های جدید که به انتخاب فردی اولویت می‌دهد و ازدواج در سنین بالاتر و ازدواج‌های غیرفامیلی را توصیه می‌کند، عمدتاً در میان گروههای قومی ترک، فارس، مازنی و بویژه گیلکی نمود بیشتری پیدا می‌کند. بدین ترتیب، قومیت به عنوان یک عامل نهادی و فرهنگی به میزان قابل توجهی در تنظیمات ازدواج و خانواده نمود پیدا می‌کند.

همچنین نتایج مطالعه بیانگر محدود بودن دایره ازدواج بین قومی و وجود فاصله اجتماعی میان گروههای قومی در ایران است. بطوری که میزان ازدواج بین قومی کمتر از هشت درصد بوده است و این میزان از $\frac{3}{7}$ درصد برای عرب‌ها تا $\frac{9}{1}$ درصد نزد فارس‌ها در نوسان بوده است.

علاوه بر بررسی الگوهای ازدواج در میان گروههای قومی، این مقاله به بررسی دو فرضیه در تحلیل و تبیین این تفاوتها پرداخته است. اولین فرضیه مورد بررسی، فرضیه همانندی مشخصه‌ها می‌باشد که بیان می‌کند تفاوتهای قومی در الگوهای ازدواج، صرفاً بازتاب تفاوت در

این تفاوت ها، نوسانات قومی در الگوهای ازدواج از بین می رود. دومین فرضیه مورد بررسی، فرضیه هنجاری- فرهنگی می باشد که معتقد است اگرچه تفاوت های اقتصادی اجتماعی تأثیرگذار است، اما علاوه بر این تفاوت ها، نوسانات قومی در الگوهای ازدواج می تواند ناشی از هنجارها، ارزش ها و اعمال قومی و فرهنگی باشد.

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان می دهد که گسترش مدرنیزاسیون و همانندی مشخصه ها بویژه آموزش می تواند تأثیر هنجارها و سنت های قومی مرتبط با ازدواج را بطور محسوسی کاهش دهد، اما بطور کامل آنرا از بین نمی برد. بنابراین یافته های این مطالعه با تأکید بر پارادایم قومی- فرهنگی در مقابل پارادایم نوسازی، از فرضیه هنجاری- فرهنگی حمایت می کند. بدین معنی که قومیت به عنوان بستر و زمینه ای که رفتار در آن شکل می گیرد، نقش مستقل و معنی داری در تعیین الگوهای ازدواج در ایران دارد و تفاوت های قومی در الگوهای ازدواج را می توان در سطوح متفاوت توسعه و تفاوت در مشخصه های اقتصادی- اجتماعی بویژه آموزش و تحصیلات از یکسو، فرهنگ، تاریخ اجتماعی، ارزش ها، هنجارها و اعتقادات خاص قومی از سوی دیگر تبیین نمود.

بطور کلی می توان از این مقاله نتیجه گرفت که هویت قومی یک عامل تعیین کننده اساسی در الگوهای ازدواج در ایران است و هنجارها و ارزش های قومی فرهنگی، هنوز در ورای نوسازی اقتصادی اجتماعی اثر خود را اعمال نموده و تفاوت در الگوهای ازدواج را بطور مستقل منجر شده اند. از اینرو، با گسترش مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی اجتماعی، تفاوت های قومی در الگوهای ازدواج ممکن است در طول زمان کاهش یابد، اما بطور کامل از بین نمی رود. با اینحال باید اذعان نمود که مکانیسم تأثیر گذاری قومیت بر ازدواج و خانواده بسیار پیچیده و مبهم است. متغیرهای

قومیت و الگوهای ازدواج در ایران ۴۵

در صورت وارد نمودن سایر متغیرهای مربوط به ازدواج، ممکن است از شدت این تاثیر کاسته شود. علاوه بر آن، مطالعات جمعیت شناسی مردم شناسانه با بکارگیری روشهای کیفی می تواند شناخت عمیقتری نسبت به تاثیر هنجارها، ارزشها و اعمال قومی بر الگوهای ازدواج و خانواده ارائه نماید.

منابع

- آستین فشان، پروانه (۱۳۸۰) بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن در ایران طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۵۵، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
- بشپریه، حسین (۱۳۸۲) *دیاچه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران*، چ ۲، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- صادقی، رسول (۱۳۸۳) قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروههای قومی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی و محسن گودرزی (۱۳۸۲) «قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۱۴۲-۱۱۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسگری ندوشن (۱۳۸۴) تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد، نامه علوم اجتماعی: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ش ۲۵، صص ۷۵-۲۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاوشی، پیتر مکدونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۴) *انتقال باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران: دفتر سلامت خانواده و جمعیت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (زیر چاپ) «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروههای قومی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۵.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ش ۲۴، صص ۵۳-۲۷.
- Abbasi - Shavazi, M.J. and G.W. Jones (2001) "Socio - economic and Demographic setting of Muslim Populations", *Working Papers in Demography*, No. 86, Canberra: Australian National University.

- Abbasi – Shavazi, M.J. , P. McDonald and M. Hosseini- Chavoshi** (2003) "Changes in family, fertility behaviour and attitudes in Iran", *Working Papers in Demography*, No. 88, Canberra: Australian National University.
- Addai, I. and F. Trovato** (1999) "Structural assimilation and ethnic fertility in Ghana", *Journal of Comparative Family Studies* 30(3): pp 409- 427.
- Andersson, G.** (2001) "Childbearing patterns of foreign-born women in Sweden", *Working Paper*, No. 011, Max Plan Institute for Demographic Research.
- Andrews, F.M, J.N.Morgan, and J.A.Sanquist** (1973) *Multiple Classification Analysis*, Second edition, Ann Arbor: Institute For Social Research, The University of Michigan.
- Arnaldo, C.** (2002) "Ethnicity and marriage patterns in Mozambique", *African Population Studies* 9(1): pp 143-164.
- Bean, F.D. and J.P. Marcum** (1978) *Differential fertility and the minority group status hypothesis: An assessment and review*, in Frank D. Bean and W. Parker Frisible (eds), *The Demography of Racial and Ethnic Groups*, New York: Academic Press, pp 189-211.
- Good, W** (1963) *World Revolution and Family Patterns*, Londn: Free Press of Glencoe.
- Goldsheider, G. and P.R. Uhlenberg** (1969) Minority group status and fertility.*The American Journal of Sociology* 79:361-372.
- Hank, K** (2001) Regional social contexts and individual fertility decisions: a multilevel analysis of first and second births in Western Germany. *Working Paper No: 015*; Max Plank Institute for Demographic Research .
- Hirschman. C** (1985). "Premarital socio-economic roles and the timing of family formation: a comparative study of five Asian societies" *Demography* 22(1):35-59.
- Hirschman.C and R. Rindfuss** (1982). "The sequence and timing of family formation events in Asia" *American Sociological Review* 47(5):660-680.
- Johnson, N. E.** (1979) Minority group status and the fertility of Black Americans 1970: A new look. *American Journal of Sociology* 84(6): 1386-1400.
- Knodel, J.and et al** (1999) Religion and reproduction: Muslims in Buddhist Thailand. *PopulationStudies* 53:149-164.
- Kposowa, A. J** (1997) "Explaining racial and ethnic differences in family size in the United States", *International Journal of Sociology of Family* 27(1): pp 69-103.
- Lesthaeghe, R** (1983) "A century of demographic and cultural change in Western Europe: An exploration of underlying dimensions", *Population and Development Review* 9(3): pp 411-436.
- Lesthaeghe, R and F. Eelens** (1989). "The components of sub-Saharan

- evidence". Pp. 60-121 in R. J. Lesthaeghe (ed), *Reproduction and Social Organization in Sub-Saharan Africa*. Berkeley: University of California Press.
- Malhotra, A. and A.O. Tsui** (1996) " Marriage timing in Sri Lanka: The role of modern norms and ideas", *Journal of Marriage and the Family* 58(2): pp476-490.
- McDaniel, A** (1996) " Fertility and racial stratification", *Population and Development Review* 22(Issue Supplement): 134-150.
- Morgan, S.P. and Y. Yang** (2002) " How big are educational racial fertility differentials in the U.S?" Paper prepared for presentation at the 2002 Annual Meetings of the Population Association of American, May 8-10, Atlanta, Georgia.
- Poston, D. L, C.F. Chang , and H.Dan** (2003) "Fertility differences between majority and minority nationality groups in China", Department of Sociology, Texas A & M University, College Station, Texas 77843.
- Rindfuss, R and C. Hirschman** (1984). "The timing of family formation: structural and societal factors in the Asian context" *Journal of Marriage and the Family* 46(1):205-214.
- Rosenfeld, M.J** (2002) " Measures of assimilation in the marriage market: Mexican Americans 1970-1990", *Journal of Marriage and Family* 64(February): pp152-162.
- Sorenson, A.M** (1985) "Fertility expectations and ethnic identity among Mexican-American adolescents: An expression of cultural ideals", *Sociological Perspectives* 28(3): 339-360.
- Suwal, J. and F. Trovato** (1998) "Canadian aboriginal fertility", *Canadian Studies in Population* 25(1): 69-86.
- Thapa, S** (1989) "The ethnic factor in the timing of family formation in Nepal", *Asia-Pacific Population Journal* 4(1): pp 3-34.
- Weeks.J.R**(2002) "Population:An Introduction to Concepts and Issues", Eighth Edition, *Wad worth*.